

## نمایشگاه؟ کتاب؟



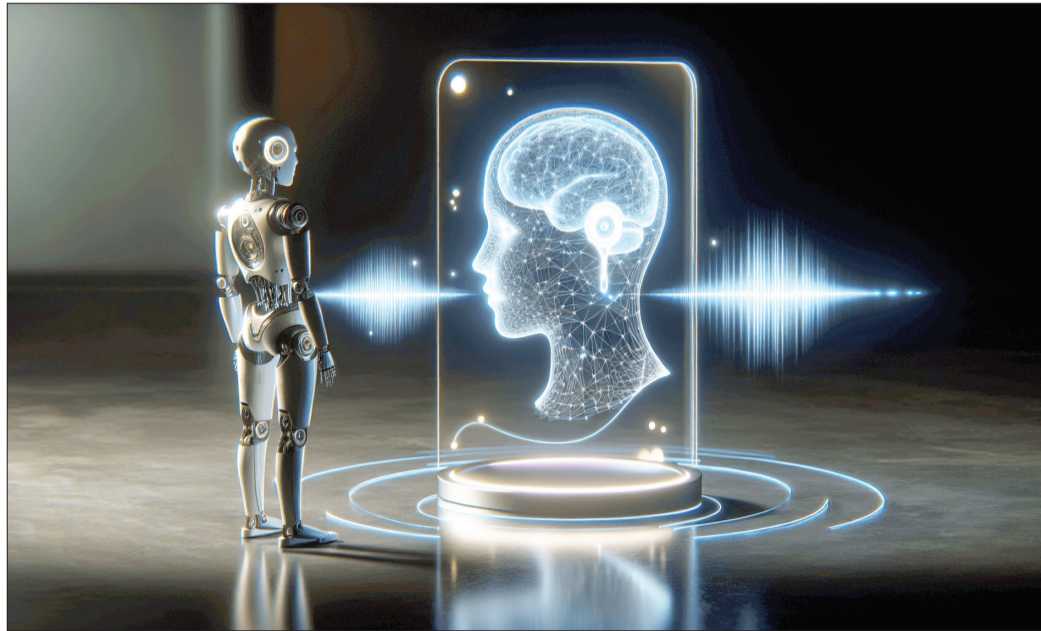
علی مسعودی

نویسنده

به نمایشگاه کتاب نمی‌روم. هفت، هشت سالی هست که نمی‌روم. هیچ اشتیاقی برای رفتن ندارم. نه تنها نمی‌روم، بلکه از تمام آن‌هایی که می‌روند، آن‌هایی که می‌روند و یک گونی کتاب می‌خرند، ناشرهایی که در آن شرکت می‌کنند، ناشرهایی که غرفه‌هایشان دوربار خانه من است، ناشرهایی که چلوکباب و پیتزا می‌خورند کنج غرفه، ناشرهایی که هنوز چیزی نپرسیده به زور می‌خواهند راهنمایی‌ات کنند، ناشرهایی که حتی وقتی چیزی می‌پرسی هم حال ندارند راهنمایی‌ات کنند، نویسنده‌هایی که در غرفه‌ها حاضر می‌شوند و کتاب امضاء می‌کنند برای جماعت، سلبریتی‌هایی که ماهی ایدحام غرفه‌ها می‌شوند، شبکه‌های رادیویی و گوینده‌هایشان که صدای پرورششان از بلندگوهای اکناف محوطه خواهی نخواهی به گوش‌ات می‌رسد، از همه و همه حرص می‌گیرم. می‌شود این حرص را ترجمه کرد به خشمی رقیق، رمانتیک، نوستالژیک و حتی نسبتش داد به نوعی بی‌فرهنگی. ابرادی هم ندارد. اگر جلوه فرهنگ این است که من بی‌فرهنگ‌ام، ولی زمانی را به یاد می‌آورم که از ۱۰ روز مانده به نمایشگاه چه دل کوبه‌ای می‌گرفتم و شپش‌های سرگرم سه‌پا در جیبم را موقتاً به دست فراموشی می‌سپردم و به آب و آتش می‌زدم که پولی جور کنم و یک گونی کتاب بخرم؛ که بروم همین‌هایی را که حالا به خاطرشان نمی‌روم ببینم؛ بروم که نویسنده‌ها کتابشان را برایم امضاء کنند، سلبریتی‌ها را از نزدیک ببینم، راهنمایی‌ها را راهنمایی بشوم، توی غرفه‌های درندشت ول بچرخم و ابتدای کتاب‌ها را با نگاه زخمی کنم و بعد خودم هم کنجی چلوکباب یا پیتزا یا سبب‌زمینی بخورم و فردایش هم به رفقایم بگویم: «رفتی نمایشگاه؟» و اگر پاسخ منفی بود چشم‌ها را گرد کنم: «ای بابا!...» به این معنا که عجب فرصتی را از کف داده‌ای.

اما نرفتن من، که البته واقف مسئله مهمی نیست برای کسی، دلایلی دارد. حرص خوردن‌هایم نیز. نمی‌خواهم این حرف درست اما این روزها مکرر را دوباره پیش بکشم که اوضاع مملکت و جو کنونی جامعه دل و دماغ و شوق را از ما گرفته، که البته گرفته است و شکی در آن نیست. اما دلیل نرفتن من فقط این نیست. از آخرین سالی که رفتم، حس عجیبی در من متولد شد که بیشتر و بیشتر قوت گرفت. خاصه وقتی خودت مؤلف می‌شوی و دغدغه نشر و عرضه اثرت را داری شاید این حس قوی‌تر هم می‌شود. نمایشگاه کتاب احساس نبرومندی عدالتی را به شکلی دل‌آزار در من بیدار می‌کند. حس می‌کنم کارناوالی است که نهایتاً ویتترینی تصنعی می‌سازد برای چیزهایی که نیستیم و در عین حال پوششی ناراستین می‌سازد برای چیزهایی که هستیم و نباید باشیم. از اینکه به نظرم ما کتاب‌خوان نیستیم هنوز و کتاب قدر و تأثیرش را در زندگی‌مان از دست داده، یکی از این چیزهای کذایی. اینکه نمایشگاه وقتی معنا دارد که یا دولت حمایتی یکسان نثار نشرها کند یا اصلاً دخالتی نکند در کار، یکی دیگر از این چیزهای کذایی. وقتی می‌بینم که یکی در میان غرفه‌ها متعلق به ناشرانی است که بودجه‌شان را از فالان نهاد و بهمان ارگان می‌گیرند، خود وزارت ارشاد صد تا و هزار تا کتاب‌هایشان را می‌خرد و در کتابخانه‌ها و این‌ور و آن‌ور توزیع می‌کند، شهرداری برایشان بیلبورد می‌زند به چه بزرگی، دیگر چه نمایشگاهی؟ وقتی لایبرنت ممیزی روز به روز تنگ‌تر و تودرتو می‌شود و کسانی از زبان آثار نویسندگان می‌شوند که اگر شغل‌شان این نبود، بعد بود یک کتاب هم در عمرشان بخوانند، وقتی کلی اثر ارزشمند به سادگی با تصمیم همین عزیزان پشت خط انتشار گیر می‌کند، دیگر چه نمایشگاهی؟ وقتی خود من به عنوان نویسنده این روزگار روبه‌روم نمی‌شود قیمت پشت جلد کتابم را به دیگران بگویم، چون می‌دانم پرداخت آن بها می‌تواند برایش دو سه لقمه نان باشد سر سفره‌ای خلوت و غم‌انگیز، دیگر چه نمایشگاهی؟ می‌خواهم بگویم من عاشق کتاب و نمایشگاه کتابم. بیشترین هزینه‌ها را در زندگی‌ام برای کتاب پرداخت کرده‌ام. به‌ندرت پیش آمده منظورم از «خرید» خریدن چیزی جز کتاب بوده باشد. این عشق در درونم موج می‌زند و سیاست‌های فرهنگی دولت مرا به جایی رسانده که حس می‌کنم از این عشق باید شرمسار باشم و از آن پرهیز کنم. چرا؟ چون وقتی بروم، ببینم، بخرم، تعریف کنم، من هم دارم شرایطی که عادی و عادالانه نیست، عادی و عادالانه جلوه می‌دهم. من هم می‌شوم یکی از اشیای آن ویتترین تصنعی و آن پوشش ناراستین. البته تمام آنان را که در نمایشگاه شرکت می‌کنند درک می‌کنم. ناشر باید گردش مالی داشته باشد، دانشجو و محقق به منابع نیاز دارند، کتابخوان حرفه‌ای باید بخت مواجهه و خرید انبوه کتاب در اختیارش باشد، نویسنده باید خودش را تبلیغ کند. تمام این‌ها را می‌دانم اما چه کنم؟ باز دلم صاف نمی‌شود...

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه پهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حرفه‌چینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## نزدیک‌تر به رویا

رونمایی از قابلیت‌های «GPT-4» باعث شگفتی بسیاری از مردمان جهان شد



سپهر خرمی

گزارشگر گروه فناوری

تمام رقبایی که دارد بهترین کیفیت را دارد. بسیاری منتظر بودند که آپدیت جدیدی صورت بگیرد، واقعیت این است که «جی‌پی‌تی ۴» خیلی اتفاق بزرگ و مهمی نیست. چرا چنین تحلیلی داریم؟ چون «جی‌پی‌تی ۴» سرعت را بالا برده و هزینه‌ها را تا ۵۰ درصد کاهش داده است ولی نکته مهم این است که دقت آن کاهش پیدا کرده است.»

مسعود زمانی معتقد است که سرعت بالا و کاهش هزینه نکته مثبتی است اما برای اینکه از این تغییر و تحول سوپرپرایز شویم، باید دلایل بیشتری تراشید: «بسیاری از تحلیل‌ها اینطور می‌گویند که «جی‌پی‌تی ۴» دقت بالاتری از نسخه جدیدتر امروز داشته است. سرعت بالا و قیمت پایین‌تر خیلی خوب و مطلوب است و بسیاری از کارها راه می‌اندازد اما باید پذیرفت که کار دقیق‌تری انجام نشده است. از دیدگاه مردم باید اینطور تحلیل کرد که امکانات محاوره‌ای شدن را افزایش داده و موضوع قابل قبولی است. اما به لحاظ فنی اصلاً کار بزرگ و آپدیت خارق‌العاده‌ای نیست. همچنان بسیاری از کارشناسان منتظر هستند که موضوع جدیدی منتشر شود تا حیرت‌آور باشد. «مسعود زمانی اما از یک اتفاق جالب در آپدیت جدید می‌گوید: «در آپدیت جدید که برای iOS می‌آید احتمالاً یک نسخه از ترجمه صوتی هم وجود داشته باشد. به عنوان یک شرکت زیرمجموعه ماکروسافت، اینکه اولین رونمایی از نسخه آن از اپل منتشر می‌شود، بسیار قابل توجه است. برای جمع‌بندی این بخش به عقیده من حتی تغییر و تحولات خراش هم داده نشده است و باید منتظر ماند تا تحول خاص‌تری را مشاهده کنیم.»

## کاهش ارزش سهام دولینگو

هر بار هوش مصنوعی نسخه جدیدی ارائه کرده، همزمان نگرانی‌های بسیاری برای شرکت‌هایی که کار مشابه انجام می‌دهند رخ داده است. این بار شرکت آموزش زبان دولینگو بود که از آپدیت جدید هوش مصنوعی آسیب جدی دید. ماجرا از این قرار است که ارزش سهام شرکت آموزش زبان دولینگو پس از معرفی هوش مصنوعی -GPT-4 ۵۰٪ کاهش پیدا کرد. این ابزار هوش مصنوعی جدید عملکرد خیره‌کننده‌ای در ترجمه همزمان دارد و به نظر می‌رسد که در آینده نزدیک رقیب سرسختی برای همه برنامه‌های زبان، ترجمه و حتی مترجم‌ها و معلم‌های زبان خواهد بود. نرم‌افزار دولینگو بیش از ۳۰٪ زبان زنده دنیا را تحت پوشش دارد و یکی از محبوب‌ترین نرم‌افزارهای یادگیری زبان آنلاین است که حالا با آپدیت جدید در این حوزه باید سازوکار خود را تغییر دهد.

## ترس یا خوشحالی؟

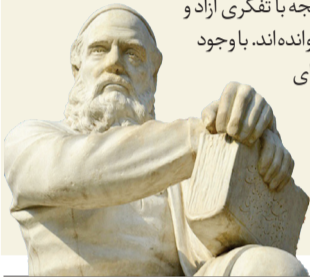
یکی از مهمترین سوال‌هایی که بعد از رونمایی از هوش مصنوعی از چندین سال پیش تا امروز از کارشناسان این حوزه پرسیده می‌شود این است که باید از پیشرفت و توسعه علم خوشحال باشیم یا نگرانی ما باید به دلیل از دست رفتن بسیاری از مشاغل، افزایش پیدا کند؟ مسعود زمانی در این خصوص دیدگاه جالبی دارد: «هرکسی باید نسبت خودش را با ادنیای فناوری بازنگری کند. این بازنگری به این معناست که نسبت حضورش و شغلش در دنیا را بررسی کند که آیا می‌تواند شغلش را با توسعه هوش مصنوعی بهبود ببخشد یا خیر. ضمن اینکه یک شهرت باید بررسی کند که خودش چطور می‌تواند بخشی از این تغییر باشد؟ چون در هر صورت بسیاری از شغل‌ها با تعاریف امروزی با توسعه هوش مصنوعی از بین خواهند رفت. طبعاً مشاغل دیگری با رویکرد متفاوتی از الان به وجود می‌آیند. نگرانی‌ای که وجود دارد قطعاً جدی است و استنباط من این است که دولت‌ها و سیاستمداران نمی‌توانند این سطح از پیچیدگی را کنترل یا هضم کنند، بلکه مردم و شرکت‌ها هستند که باید به نقطه تعادلی در این زمینه برسند. تحلیل من این است که در عرض کمتر از سه‌سال بسیاری از مشاغل امروزی از بین خواهند رفت.» آنچه مشخص است اینکه هوش مصنوعی با سرعت غیرقابل مهارتی در حال توسعه است. برای این نرم‌افزار قدرتمند، نگرانی انسان منطقی است. صرفه‌جویی در زمان، هدف هوش مصنوعی است تا در کوتاه‌ترین زمان، آنچه رویای انسان بوده با او محقق شود.

## چهره

## حکیم دیروز و فیلسوف امروز

خیام نیشابوری شخصیتی نیست که به گذشته تعلق داشته باشد یا در جهان سنت جا مانده باشد. جهان خیامی همواره در جهان مدرن بازتولید شده و مورد خوانش قرار گرفته است. شاعری که شعاع افکارش مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و در بسیاری از سرزمین‌های دیگر به‌عنوان شاعر محبوب شناخته می‌شود. اوفیلیسوفی است که فیلسوف معاصر و بزرگ ایرانی، داریوش شایگان چنان به او و اندیشه‌هایش علقه و ارادت داشت که می‌گفت جهان را خیامی می‌بیند. آن چه در شهرت امروزی‌اش سهم بیشتری دارد، رباعی‌های بی‌نظیر اوست؛ رباعیاتی که برایش شهرتی جهانیگر به ارمان آورد. اشعار نغزی که نسل‌هاست ورد زبان خرد و کلان است. او در عالم ریاضی و نجوم هم صاحب‌نظر بود. خیام‌نه حکیم دیروز که همچنان فیلسوف امروز است. او را فردی صریح‌اللهجه با تفکری آزاد و البته عاقبت‌اندیش و مدبر خوانده‌اند. با وجود

تعصبات و سختگیری‌های فراوان در خراسان و دیگر مناطق ایران در آن ایام، از بیان عقاید فلسفی خود فروگذار نکرد.



## کتابخانه

## رمانی در اهمیت کلمات و روایت

کتاب «باغ‌های ارغوانی»، نوشته فرید حسینیان تهرانی در ۱۱۳ صفحه با قیمت ۱۲۵ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شد. ناصر، قهرمان رمان «باغ‌های ارغوانی»، یک کپی‌رایتر است که از نوشتن شعرهای تبلیغاتی و تولید محتوا روزگار می‌گذرانند. تعطیلات عید است و او به همراه مادرش، خانم اولیا، به سفر تفریحی کوتاهی به اطراف تهران رفته است. امدتی است به خواندن خاطرات ناصرالدین شاه و داستان‌های شاه‌شهید علاقه پیدا کرده است. در این سفر با پسر بچه‌ای مواجه می‌شود که انشای ساده‌ای نوشته و کاغذ انشاء را باد اتفاقی به دست ناصر می‌رساند.

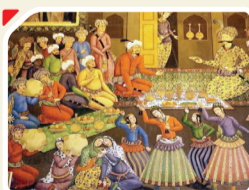


باغ‌های ارغوانی  
نویسنده: فرید حسینیان تهرانی  
انتشارات: چشمه

نثر کودک، ناصر را یاد نوشته‌های سلطان صاحب‌قران می‌اندازد. هم‌زمانی این رخدادها باعث درهم‌آمیزی چند روایت در ذهن او می‌شود. روایت‌هایی که دیگر فقط مربوط به ناصر، مادر و زمانه‌اش نیست، بلکه روایتی است از مسیر تاریخ مملکتی که متأثر از عقده‌های شخصی و جمعی، مدام تغییر می‌دهد. «باغ‌های ارغوانی» رمانی در اهمیت کلمات و روایت است؛ قدرتی که روایت‌ها در تغییر واقعیت و تثبیت حقیقت دارند.

## تاریخ

## امضای عهدنامه زهاب



با تأسیس حکومت صفویه در سال ۱۵۰۱ میلادی، نزاع سیاسی و مذهبی دو دولت ایران و عثمانی نیز آغاز شد. پس از جنگ چالدران و شکست شاه اسماعیل، شاه تهماسب - جانشین او - در سال ۱۵۵۵ به صلح آماسیه با عثمانی دست یافت. در دوره شاه عباس صفوی اما دوباره نزاع‌هایی میان دو حکومت در گرفت. در نهایت در ۱۶۳۹ میلادی (اردیبهشت‌ماه ۱۰۱۸ شمسی)، شاه صفی - جانشین شاه عباس - عهدنامه زهاب یا قصر شیرین را امضاء کرد و بدین ترتیب جنگی که از سال ۱۶۲۳ آغاز شده بود و در واقع ریشه در اختلافات ارضی ۱۵۰ ساله داشت، به اتمام رسید. از جمله موارد این عهدنامه، رسمیت یافتن جدایی بغداد از ایران بود. در مقابل ایران از تعرض سپاه عثمانی در امان ماند. برخی از جمله نتایج تداوم این صلح را که بیشتر به نفع عثمانی‌ها بود، گسترش روحیه آسایش طلبی در نظامیان ایرانی ارزیابی کرده‌اند. اصل معاهده زهاب، نه در آرشیوهای ایران موجود است و نه در عثمانی اما می‌دانیم که این عهدنامه در زمان نادرشاه و کریم‌خان زند هم مورد توجه سپاه ایران و قشون بنی چری بود و آنان پیوسته به آن استناد می‌کردند.